

رنج بشوند، این چه سرزمینی است که آفریده، اگر هم منظور این بوده که در راه تقرب به او باید رنج بکشند این چه بهشتی است که دارد. (۶)

در ماجرای فرعی فرار معمار از دست سات‌پن که او پنج‌جاه و چند ساعت در تاریکی و باطلاق راه می‌رود و در وصف بی‌خوابی و خستگی او می‌خوانیم:

غذائی نه و جائی نه که برود و امیدی نه که به جائی برسد. چیزی نه جز اراده برای پایداری و پیش آگاهی از شکست و در عین حال هنوز ذره‌ای شکست در چهره‌اش پیدا نه... بعد دستش را بلند می‌کند و گوئی جملگی در ماندگی و شکستی که نژاد بشر تا آن وقت به آن‌ها دچار بوده توی دوانگشتش مانند غبار جمع می‌کند و از روی سر به عقب پرت می‌کند. (۷)

افزوده بر این - به گفته مالکلم کاولی - قدرت برخی از آثار فاکتر نمونه‌ای است که از روش فرویدی که بازگفته شده و سرشار است از کابوس‌های جنسی که در واقع نمادهای اجتماعی‌اند و به نوعی در دانستگی نویسنده با آنچه او هتک عصمت و فساد جنوب می‌انگارد، ربط می‌یابند.

مضامینی از این دست در «ابشالوم» به ویژه در روایت رزا کولدفیلد و کونتین زیاد آمده‌است که در صفحه‌های ۱۱۰، ۱۲۰ و ۲۱۰ جلوه‌بارزی یافته، و نیز در روایت حسب حال چارلزبون در رویارویی با جودیت: در عین حال سایبان و تن آرایش (یا در عالم خیال چنین آمده بود) سوسن‌های بکر ناپیدا بود، چون پیش از اینکه عکس را ببینیم، خود آن صورت را می‌توانستیم به جا بیآوریم، نی وصف کنیم.

نثر رومان ابشالوم مانند نثر رومان خشم و هیاهو بفرنج، دشوار و گاهی بریده بریده و غالباً قدیمی (آرکائیک) و همراه با گویش و مثل‌های عامیانه است. جمله‌های بلند، عبارت‌های وصفی پی‌درپی و روایت‌های سیلان دانستگی در آن زیاد است از این رو ترجمه چنین داستانی به زبان دیگر بسیار دشوار است. البته ترجمه دکتر صالح حسینی از این کتاب مانند ترجمه‌های دیگر او: لردجیم (کنراد)، خشم و هیاهو، برخیز موسی (فاکنر) برادران کارامازوف (داستایوفسکی)... وفادار به متن اصلی، دقیق و درخشان است و مترجم توانسته است به خوبی لحن و ضرب آهنگ کلام و تغییر لحن‌ها و عبارات فاضلانه و فخیم و گویش‌های عامیانه متن و روح اثر را به زبان پارسی‌امروزی در آورد به طوری که خواننده احساس می‌کند اثری به زبان پارسی می‌خواند نه متنی که به زبانی بیگانه نوشته شده است.

گرچه ترجمه از جهات بسیار ستودنی است کلمه‌ها

و تعابیر و اوصافی در آن راه یافته که اگر در نوشته‌ای عادی پذیرفتنی باشد در ترجمه ممتازی مانند ترجمه دکتر صالح حسینی پذیرفتنی نیست. البته برخی از این کلمه‌ها و تعابیر از جمله غلط‌های رایج است:

ویژگی انطباعی به جای Impressionistic (ص ۱۰) معنای این کلمه در این مقام ترجمه ناپذیر است و بهتر است خود کلمه اصلی را بکار برد.

به خاطر هتک حرمت (۲۳) خاطر به معنای یاد است. باید نوشت به سبب یا به علت. حماقت‌های غامض؟ (۳۱) معنای مثبتی ندارد. حماقت‌های غامض؟ خانه را هفتاد و پنج سال پس از اتمام (۴۸) پس از اتمام آن.

آنوقت (۴۹) چرا آن وقت ننویسیم؟ از نظر رسم خط فارسی نازیباست.

کلیسای متدیست‌ها (۵۲) بهتر بود در حاشیه توضیح داده می‌شد.

مسئله (۵۶) مسأله درست است.

مسئولیت (۶۰) مسؤولیت درست است.

سعی کردند (۶۳) چرا ننویسیم: نکو شیدند؟

پیوریتنی را «آئین پیرایشگری» ترجمه کرده‌اند که رسانیست، puritan عضو حوزه مذهب پروتستان انگلستان است که اصلاح دینی کلیسا در دوره الیزابت را ناقص می‌داند و می‌خواهد مراسم و مناسک غیر منصوص و فاسد، منسوخ شود. پارسا. خشکه مقدس.

معنای اخیر یا متن سازگار تر است: میس رزا در هوای تیره مزار آلود عدل پیوریتنی... (۷۳)

آقای... که چه می‌خواست... (۷۴) حرف «که» زائد است.

تاسرشته‌شان کنند. (۷۹) خوش آهنگ نیست.

یک عده (۸۴)، عده‌ای بهتر است.

اراده معطوف به زیستن (۹۹) اراده به زیستن. خواست زیستن. «معطوف» زائد است.

از این قبیل مسامحات لفظی در صفحه‌های ۱۰۶، ۱۲۰، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۶۳، ۱۸۲، ۲۰۲ و ۲۹۹ نیز آمده‌است که به علت تنگی مجال از آن‌ها در می‌گذریم. البته باید افزود که این قبیل مسامحه‌ها جزئی است و به کلیت کار آسیبی نرسانده است.

پانویس

- ۱- ابشالوم، ترجمه صالح حسینی، ۱۸ و ۲۱۴، تهران ۱۳۷۸
- ۲- ابشالوم، همان، ۹ و ۱۶۰
- ۳- کتاب امروز، دفتر اول، ترجمه ابوالحسن نجفی، ۱۳۵۰
- ۴- برخیز موسی، ترجمه صالح حسینی، عقیده ادبی در آمریکا، همان، ج ۲ ص ۴۶۴ به بعد
- ۵- ابشالوم، همان، ۲۱۹، ۲۸۱

ادبیات انگلیسی آمریکا (۱۵۰۰-۱۸۰۰م)

The English Literatures of America (1500-1800), Edited by Marya Jehlen and Michael Warner, 1997

«کاری پیچیده و دشوار که با روشنی و انسجام بسیار عالی به انجام رسید.»

پروفیسور لاررز زیف از دانشگاه هاپکینز

«یک تصویر و توصیف پرمایه و دارای نظم و انسجام درونی انگلیسی آمریکایی ماوراء اطلس از آغاز تا اوایل جنگ استقلال. ادبیات انگلیسی آمریکا، معنای ادبیات ملت ما و گزیده‌های ادبی‌اش را باز می‌گوید.»
اریک ساندکوئست، دانشگاه کالیفرنیا، ماچوست

اسطوره شناسی کلاسیک ادبیات انگلیسی

Classical Mythology in English Literature (A Critical Anthology)
Edited by Geoffrey Miles,
Victoria University, Wellington, New Zealand
1999.

میتولوژی کلاسیک در ادبیات انگلیسی، روایت‌های انگلیسی پر دامنه و گوناگونی از سه اسطوره کلاسیک را یکجا گردآورده و به دانشجویان آن را می‌دهد تا برای نخستین بار شیوه‌های تفسیر و باز تفسیر و بازآفرینی‌های صورت گرفته توسط نویسندگان سراسر تاریخ را کشف نمایند.

کتاب با مقدمه‌ای فشرده در باب خدایان و قهرمانان یونانی - رومی آغاز می‌شود این منتخب تحقیقی سه داستان را محور بحث قرار می‌دهد:

- آرفئوس، موسیقی نواز بزرگ و جستجویش برای رهایی همسرش ایوردلیس از مرگ
- ونوس و ادونیس، خدای عشق و جوانی زیبا روکه وی شیفته‌اش بود
- پیگمالیون، پیکر تراش چیره دست که فریفته

آفریده خویش گردید.

هر بخش با منابع کلاسیک آغاز می‌شود و با روایت‌های معاصر پایان می‌یابد و نشان می‌دهد که چگونه هر اسطوره از خاستگاه‌های آن تاکنون به کاربرده شده / کاربرد نادرست یافته یا سرقت شده است نویسندگان مورد بررسی عبارتند از: آوید، ویرژیل، گوور، اسپنر، شکسپیر، بیکن، میلتون، روسو، وردورث، ویلیام موریس، الیزابت بارت براونینگ، الیوت، اودن، آنجلا کاتر، مارگرت ات وود و سی موس هینی.